یادداشت

عبدالله متولیان

نیروی انتظامی سفیر امنیت، اقتدار و خدمتگزاری

در میان همه نیازهای بشر، امنیت از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است. امنیت اولاً امری نسبی بوده و هیچ‌گاه امنیت مطلق دست‌یافتنی نیست، ثانیاً بعد احساسی و بالقوه امنیت به مراتب قوی‌تر و ملموس‌تر از بعد واقعی و بالفعل آن است. به عنوان مثال ترس یک کودک در جنگلی مخوف و ترسناک در دل شب با انواع خطرات و نعره حیوانات درنده کاملاً منطقی و عقلانی است اما اگر پدر این کودک در کنار او حاضر شود کودک احساس امنیت می‌کند و در عین حالی که همه مظاهر و مصادیق خطر در جنگل هنوز موجود است اما با احساس آرامش ایجاد شده در کودک که ناشی از حضور مؤثر و اقتدار پدر است، دیگر از ترس کودک اثر و خبری نیست. جامعه و مردم نیز هنگامی احساس آرامش و امنیت خواهند کرد که شاهد حاکمیت قانون و اقتدار نهادهای مسئول باشند و نقش نیروی انتظامی در حاکمیت قانون و اقتدار نظام از سایر نهادها پررنگ‌تر و برجسته‌تر است.

مهم‌ترین خواسته مردم از حکومت‌ها امنیت است و فلسفه وجودی حکومت‌ها، ایجاد فضای آرامش روحی و روانی و استقرار و ارتقای امنیت در سطح جامعه است. مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «امنیت، نعمت ناشناخته‌ای است که تا از بین نرود، ارزشش پدیدار نمی‌شود». اگر امنیت جامعه به هر دلیلی مخدوش و یا حتی متزلزل شود شیرازه امور و نظم و انتظام اجتماعی از هم گسسته و هیچ صنف و گروهی در چنین شرایطی قادر به انجام کار نخواهد بود.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «آنچه مردم از نیروی انتظامی متوقع هستند چیست؟ مردم می‌خواهند نیروی انتظامی قوی و مقتدر باشد، هوشمند و پیچیده باشد، سالم و امین باشد، سریع و به هنگام باشد، مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد، این انتظارات مردم از نیروی انتظامی است. شما در بخش‌های قابل توجهی، این لیاقت و آمادگی را از خودتان نشان دادید». نیروی انتظامی پیشانی نظام اسلامی و شاخص‌ترین چهره به‌عنوان نماد اقتدار حکومت در بستر جامعه است؛ زیرا امور روزمره بسیاری در اجتماع به او واگذار می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی یک روز هم نمی‌توان بدون حضور پلیس در جامعه سر کرد. ۱۰ ویژگی برجسته فوق‌الذکر، ابعاد مهم اخلاقی و شخصیتی کارکنان و سازمان نیروی انتظامی را معین می‌کند. حاصل جمع این ۱۰ ویژگی، اقتدار نیروی انتظامی را رقم می‌زند و اقتدار نیروی انتظامی، اقتدار نظام اسلامی را تصویر می‌کند.

ماده ۳ قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب تیرماه سال ۱۳۶۹، هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را «استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایشی عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری ازدستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران» تعیین کرده و در میان همه نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول در حوزه امنیت، نیروی انتظامی بیشترین و متنوع‌ترین وظیفه، نقش و مسئولیت را در ارتباط مستقیم با مردم در حوزه نظم، انضباط، آرامش و امنیت اجتماعی دارد و بی تردید تحقق وظایف و نقش‌های این نیرو مستلزم تلاش مستمر و بی وقفه برای ایجاد نیرویی کارآمد، قوی، مقتدر، هوشمند، پیچیده، سالم، امین و قابل اعتماد، سریع، بصیر، به هنگام، مؤدب، اهل بیان، اهل مدارا و تفاهم با مردم است. ماده ۴ همین قانون مأموریت و وظایف نیروی انتظامی را استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی، و مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هر گونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات تعیین نموده است.

کارکنان این نیرو به‌عنوان خدمتگزاران صادق و بااخلاق نماد عزت و افتخار و عامل آرامش روحی و اجتماعی جامعه و اعتماد مردم به نظام اسلامی هستند. حضور مقتدرانه نیروی انتظامی در عرصه‌های متنوع مأموریتی، به اندازه‌ای که آرامش و امنیت قانون شکنان و برهم زنندگان نظم عمومی را مخدوش می‌کند، به همان میزان و بلکه بیشتر سبب آرامش روحی مردم و امنیت جامعه خواهد شد. در پناه چنین نیروی مقتدر و متخلقی، مردم نیز احساس مسئولیت بیشتری کرده و در وسط میدان و در کنار نیروی انتظامی، در مقابله با تهدیدکنندگان امنیت و آرامش حاضر خواهند شد.

خبر آخر

عضو کمیسیون امنیت ملی:

شفافیت نباید محدود به مجلس شود

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با اشاره به رعایت تمام ملاحظات کارآمدسازی مجلس در طرح شفافیت گفت: شفافیت نباید محدود به اقدامات در مجلس شود و شفافیت در همه عرصه‌ها به کارآمدسازی و بهبود ساختار حکمرانی کشور کمک می‌کند.

علی اصغر عنابستانی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت در خصوص طرح شفافیت آرای نمایندگان گفت: قاعدتاً حرکت به سمت شفافیت در همه عرصه‌ها به کارآمدسازی و بهبود ساختار حکمرانی کمک می‌کند. بخشی کوچک از شفافیت، شفافیت در مجلس است، البته به نظر می‌رسد شفافیت نباید محدود به شفافیت در مجلس شود و باید گسترش پیدا کند. شفافیت در مجلس هم نباید محدود به شفافیت آرای نمایندگان باشد، در واقع شفافیت آرای نمایندگان باید آخرین مرحله از شفافیت باشد. مراحل مختلف شفافیت قطعاً به کارآمدسازی مجلس کمک بیشتر خواهد کرد اما با توجه به اینکه شفافیت رأی به مطالبه مردم تبدیل شده و می‌تواند سد ایجاد شده برای شفافیت را بشکند، مقدمات شفافیت آرای نمایندگان را در کمیسیون آیین نامه داخلی فراهم کردیم و در صحن هم مطرح خواهد شد.

وی ادامه داد: اگر در مسئله شفافیت مانند عنوان آن با مردم شفاف باشیم و صادقانه به مردم بگوییم که کجای شفافیت می‌تواند به کارآمدسازی مجلس کمک کند و کجا می‌تواند ضربه بزند، در حقیقت وقتی ساختارهای حکمرانی دیگر هنوز شفاف نیستند، شفافیت رأی در برخی موارد به کارآمدی مجلس ضربه می‌زند.

در جلسه هیئت وزیران انجام شد

رأی اعتماد دولت به استاندار منتخب تهران

جلسه هیئت وزیران بعدازظهر دیروز به ریاست دکتر سید ابراهیم رئیسی برگزار شد و در این جلسه «محسن منصوری» به عنوان استاندار منتخب تهران از اعضای دولت رأی اعتماد گرفت.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری، منصوری متولد خرداد ۱۳۶۳ در شهرستان ورامین و دارای مدرک کارشناسی مکانیک (گرایش ساخت و تولید) از دانشگاه شهید رجایی تهران و کارشناسی ارشد مدیریتی آموزشی از دانشگاه تهران است.

وی پیش از این عضو شورای عالی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، معاون بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی و مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره بنیاد علوی، مدیرعامل و عضو مؤسس و هیئت مدیره بنیاد کرامت آستان قدس رضوی، مشاور نایب رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، فرماندار شهرستان ورامین، مشاور استاندار تهران، معاون حوزه وزارتی وزارت آموزش و پرورش و مدیر دفتر همکاری‌های وزارت آموزش و پرورش و حوزه‌های علمیه و دبیرکل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان سراسر کشور بوده است.

پیام

پیام فرمانده کل سپاه به فرمانده ناجا

نیروی انتظامی امروز تصویری افتخارآمیز از یک پلیس دانا و هوشمند است

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی به فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، هفته نیروی انتظامی را به وی و آحاد فرماندهان، مدیران و کارکنان ناجا و خانواده‌های معظم آنان تبریک و تهنیت گفت.

به گزارش سپاه نیوز، در پیام سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی به سردار سرتیپ پاسدار حسین اشتری آمده است: فرارسیدن هفته نیروی انتظامی و ایام پاسداشت مجاهدت‌ها و حماسه‌سازی‌های بزرگ و امنیت‌آفرین ناجا را به جنابعالی و آحاد فرماندهان، مدیران و کارکنان شجاع و فداکار آن نیرو و خانواده‌های معظم آنان صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

بی‌شک اقتدار و افتخارآفرینی‌های امنیت‌ساز امروز ناجا و اشراف و تسلط مؤثر آن بر تهدیدات متنوع سنتی و نوظهور و هوشمندسازی و پایداری امنیت داخلی و عمومی که با مشارکت مردمی و همراهی سایر دستگاه‌های امنیتی اطلاعاتی و نیروهای مسلح کشور، رضایتمندی مؤثر جامعه از عملکرد و نقش پذیری‌های نیروی انتظامی را رقم زده است؛ نمایشگر تصویری شکوهمند، قدرتمند و افتخارآمیز از یک پلیس دانا، توانا، هوشمند، قاطع و باصلابت در میدان برای جهانیان است.

فرصت را مغتنم شمرده از تلاش‌های قابل تحسین و کم‌نظیر پلیس مکتبی که با صبغه‌ای مردمی و انقلابی، امنیت و آرامش اطمینان بخشی برای ملت عظیم‌الشأن ایران اسلامی به ارمغان آورده است، قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم. یاد، نام، خاطره، آرمان‌ها و حماسه‌های ماندگار شهیدان، جانبازان و ایثارگران نیروی انتظامی در آوردگاه‌های خطیر امنیتی، انتظامی و خدمتگزاری به مردم فهیم، شریف و بافضیلت ایران را گرامی داشته و استمرار درخشندگی و افتخار آفرینی‌های آن نیروی جان برکف، مؤمن، انقلابی و ولایتمدار در مسیر تولد پلیس تراز انقلاب و تمدن‌ساز، تحت عنایات حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا له الفداه) و تبعیت از تدابیر، فرامین و منویات مقام عظمای ولایت و رهبری و فرماندهی کل قوا حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) را از خدای سبحان طلب می‌کنم.

گزارش

مهدی پورصفا

نیروی انتظامی، امین امنیت‌ساز

نیروی انتظامی جبهه اول اعمال حاکمیت قانون در کشور است و عملکرد مناسب آن می‌تواند ثبات جامعه را در تمام ابعاد تأمین کند. از همین رو مقابله این نهاد امنیت‌ساز با تهدیدهای جدید نه تنها موجب افزایش رضایتمندی جامعه شود بلکه به افزایش جایگاه و قدر آن در میان مردم بر طبق منویات مقام معظم رهبری منجر خواهد شد.

امنیت را می‌توان مهم‌ترین زیرساخت هر کنش مثبتی در سطح جامعه دانست. هر فعالیت اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی فقط در صورتی به سامان می‌رسد که امنیت در یک جامعه برقرار باشد. از این رو یکی از مهم‌ترین وظایف هر حاکمیتی حفظ امنیت داخلی و ملی است.

در تمام دنیا یکی از مهم‌ترین سرفصل‌ها برای هزینه کرد بودجه‌ای، اختصاص منابع گسترده به بخش تأمین امنیت است. طبیعی است که بخشی از این منابع به نهادهای نظامی برای مقابله با تهدیدات گسترده در حوزه امنیت ملی اختصاص پیدا می‌کند. در مقابل مهم‌ترین ابزار برای حفظ امنیت داخلی نهادهای انتظامی است.

حضور پلیس در اجتماع نه تنها به عنوان ابزاری برای حفظ امنیت عمومی بلکه به عنوان نمادی از حفظ اقتدار هر حاکمیتی به رسمیت شناخته شده و ناتوانی نهادهای انتظامی در کنترل تهدیدات به عنوان نوعی ناکارآمدی حاکمیت نیز قلمداد می‌شود.

این علاوه بر نقش مهم نهاد پلیس در حفظ همبستگی اجتماعی و همچنین همکاری و همیاری دو طرفه جامعه و حاکمیت در حفظ امنیت است.

■ دایره عملکردی به وسعت نظام

در ایران هم نیروی انتظامی مهم‌ترین نهاد تأمین کننده امنیت در سطح جامعه و پیشانی حاکمیت قانون است.

نیروی انتظامی را باید به حق یکی از مهم‌ترین نهادهای حاکمیتی نظام جمهوری اسلامی دانست که بسیاری از کارکردهای مهم و روزمره مردم به آن گره خورده است. از لحاظ گستردگی وظایف این نهاد از لب مرزها و نقطه صفر مرزی تا در میان ترافیک شهر شلوغی مثل تهران وظیفه حفظ امنیت را بر عهده دارد که نظیر آن را نمی‌توان در هیچ نهاد دیگری مشاهده کرد. طبیعی است که این نهاد بار سنگینی را برای حل مشکلات و ارتقای خود بر عهده دارد که اتفاقاً در سخنان مقام معظم رهبری در خصوص این نهاد قابل مشاهده است. پیامی که به مناسبت شروع هفته نیروی انتظامی از ۱۷ مهرماه صادر شده است.

ایشان در پیام خود نکات جدی و مهمی را مد نظر قرار دادند که از جمله آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که «نیروی انتظامی یکی از ستون‌های استوار امنیت در کشور است و این نقش ارزشمند، در سال‌های اخیر برجستگی بیشتری یافته است.»

این سخنان به خوبی نشان‌دهنده نقش مهم نیروی انتظامی در امنیت کشور است و در صورت هر گونه نقصانی در آن چه مشکلاتی برای کشور به وجود می‌آید. البته نیروی انتظامی در حوزه‌های دیگر هم توانسته نقش بسیار مهمی را در کشور ایفا کند که از آن جمله می‌توان به مقابله با فتنه ۸۸ و همچنین حفظ امنیت کشور در جریان رقابت‌های انتخاباتی اشاره کرد.

به همین دلیل توصیف این نیرو به عنوان ستون امنیت کشور یک توصیف هوشمندانه است.

از سوی دیگر در بیانات ایشان چارچوب مهمی برای نیروی انتظامی در آینده بیان شده است.

ایشان در بخش دیگری از این پیام تصریح می‌کنند: «همه در نیرو - به‌ویژه مسئولان و مدیران - باید تلاش کنند سطح خدمتگزاری و انجام وظیفه را ارتقا دهند و با کارکرد خود، قدر نیروی انتظامی را نیز در چشم عموم مردم ارتقا بخشند.»

■ خدمت به مردم با نگاه مقابله با تهدیدات

تقریباً برای همه مشخص است که در سال‌های اخیر تا چه اندازه تهدیدات جدی علیه جامعه گسترده شده است. به عنوان مثال فضای مجازی در سال‌های اخیر نقش مهمی در زندگی مردم پیدا کرده، به گونه‌ای که تقریباً هیچ رویدادی در زندگی مردم بدون استفاده از فضای مجازی روی نمی‌دهد.

به تبع آن امکان بروز جرائم در این سیستم نیز افزایش پیدا می‌کند و از همین رو نیروی انتظامی وظیفه دارد برای مقابله با این جرائم و مهار آنها در جامعه آماده باشد. همان گونه که در سال‌های گذشته نیز اقدامات جدی در این باره انجام شده است.

مبارزه جدی‌تر با قاچاق کالا، مبارزه با گسترش قمار و مفاسد کلان مالی و همچنین به روز کردن مبارزه با جرائم خشن همه و همه از مواردی است که نیروی انتظامی باید خود را برای مقابله جدی با آن آماده کند.

طبیعی است که مردم نیز از این مبارزه گسترده با جرائم استقبال کرده و به دنبال همکاری بیشتر با نیروی انتظامی خواهند بود. همکاری بیشتر مردم با نیروی انتظامی به صورت طبیعی به افزایش سطح امنیت در جامعه منجر خواهد شد.

این راهبرد در همان مسیری است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان خود به آن اشاره کردند و آن هم بهبود جایگاه نیروی انتظامی در میان مردم است.

اهمیت این مسئله برای نیروی انتظامی به عنوان نهاد امنیت ساز زمانی بیشتر مشخص می‌شود که هجمه گسترده برخی رسانه‌ها را علیه نیروی انتظامی مشاهده کنیم. متأسفانه از آنجا که نیروی انتظامی در نوک پیکان مقابله با هر گونه ناهنجاری قرار دارد به صورت گسترده هم مورد هجمه دستگاه تبلیغاتی استکبار جهانی نیز قرار می‌گیرد.

از این رو می‌توان علاوه بر آگاه‌سازی مردم خدمت رسانی جدی را بهترین روش مقابله با چنین تبلیغاتی دانست. در صورت ادامه این راهبرد می‌توان امیدوار بود که امنیت جامعه در قالب همکاری گسترده مردم و نیروی انتظامی تأمین شود.

به این ترتیب هیچ گونه جدایی بین مردم و این نهاد وجود نخواهد داشت و این دو در قالب یک پیکره واحد به تأمین امنیت مردم خواهند پرداخت. این همان مسیری است که از سوی مقام معظم رهبری در پیام ایشان به مناسبت فرا رسیدن هفته نیروی انتظامی مورد توجه قرار گرفته است.

نکته

یک استاد حقوق بین‌الملل عنوان کرد

حقوق بین‌الملل ادعایی که در تئوری باقی ماند

سیزدهم دی ماه سال ۹۸ روزی است که همیشه در تقویم تاریخ سیاسی روابط بین‌الملل باقی خواهد ماند. در این روز سردار حاج قاسم سلیمانی در اقدامی جنایتکارانه و به دور از موازین حقوق بشری از سوی دولت امریکا به درجه رفیع شهادت نایل آمد. نقش سردار سلیمانی در ثبات و امنیت بخشی به خاورمیانه نزد همگان روشن بود. بر همین اساس بود که بسیاری از تحلیلگران روابط بین‌الملل این گزاره را مطرح کردند که با شهادت سردار سلیمانی یکی از پایه‌های امنیت بخش خاورمیانه از دست رفت. درست زمانی که داعش می‌رفت تا بخش‌های مهمی از منطقه به خصوص عراق و اقلیم کردستان را به کنترل خود درآورد، سردار سلیمانی در نقش ناجی منطقه ظاهر شد و به دفع تهدید داعش پرداخت. بی دلیل نبود که همه کشورهای مهم منطقه و رهبران سیاسی‌شان زبان به انتقاد از اقدام مخالف هنجارهای بین‌المللی دولت وقت امریکا پرداختند.

جمهوری اسلامی ایران دو استراتژی انجام عملیات تلافی‌جویانه و همچنین پیگیری کیفری پرونده را در سطح بین‌المللی با همکاری دولت عراق در پیش گرفت.

دکتر سید محمدرضا محمود پناهی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل حقوق بین‌المللی در گفت‌وگو با ایرنا درباره اقدام به ترور حاج قاسم سلیمانی، فرمانده وقت سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران در عیار حقوق بشری می‌گوید: ترور ناجوانمردانه سردار شهید سلیمانی به دلایل متعددی نفی معیارهای حقوق بشر و نقض آشکار و صریح صلح بین‌الملل است. کما اینکه از منظر حقوق فردی و مدنی قتل تنها زمانی مجاز است که فرد در راستای دفاع از حیات خودش باشد. در واقع اگر خطری عینی، مسلم و نزدیک یک فرد را تهدید کند در آن صورت فرد حق دفاع مشروع از خودش را دارد. در شرایط دیگر قتل انسان غیر مجاز و در شمول مجازات‌های معین است. در سطح بین‌المللی هم موضوع مقامات و شخصیت‌های نظامی و سیاسی مطرح است که خود آداب و شرایط حقوقی خاصی دارد. از این رو ترور مقامات و نمایندگان رسمی دیگر کشورها هم در حقوق بین‌الملل و آداب و کنوانسیون‌های مصونیت بخش دیپلماسی بین دول محکوم است. در ترور سردار سلیمانی با توجه به اینکه ایشان شخیصت رسمی نظامی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، قاعده حقوق بین‌المللی و پیگیری‌های کیفری کاملاً صدق می‌کند. به خصوص اینکه این ترور طبق استنادات و اظهارات مقامات وقت امریکا با تدارک گسترده چندین ماهه صورت گرفته است. سردار سلیمانی با دعوت رسمی دولت عراق قصد حضور در این کشور را داشت که با اقدام کاملاً به دور از موازین حقوق بشری از سوی دولت وقت امریکا هدف قرار گرفت که مغایر با اصل حفظ حیات و کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌خصوص قاعده منع توسل به زور یا قاعده منع تهدید به توسل به زور است.

این استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل حقوق بین‌المللی در پاسخ به این سؤال که آیا در حقوق بین‌الملل، سازوکاری برای پیگیری اقدام‌های ضد حقوق بشری از این دست پیش‌بینی شده است یا نه گفت: در حقوق بین‌الملل اگر بین دو کشور تفاهم‌نامه‌ای باشد و در صورت عضویت می‌توان اختلاف شکایت را به دادگاه کیفری بین‌المللی کشاند، ایران، عراق و امریکا عضو این دادگاه نیستند و قرارداد مودت بین ایران و امریکا که ترامپ از آن خارج شد در خصوص مراودات تجاری و بازرگانی است و دیگر قابل استناد نیست. در برخی موارد مهم و برای حفظ صلح و اجتناب از جنگ می‌توان از طریق شورای امنیت موضوعات اختلافی خطیر را پیگیری کرد و شورای امنیت پرونده کیفری را به دیوان بسپارد که با حق وتو امریکا به عنوان یکی از پنج عضو دائم شورای امنیت این مسیر هم به نتیجه نمی‌رسد. در واقع سازمان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی کمکی به حل این موضوع و تنبیه دولت تروریستی امریکا نخواهد کرد.

از سوی دیگر طرح آن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیته حقوق بشر به عنوان ارگان ناظر میثاق حقوق مدنی و سیاسی یا در شورای حقوق بشر هم نتیجه‌ای ندارد چون تصمیمات این نهادها الزام‌آور نیست هرچند برد تبلیغاتی و دیپلماسی عمومی خوبی در محکومیت جنایت امریکا دارد.

پناهی درباره این موضوع که ترامپ در حال حاضر به عنوان دستوردهنده اصلی این حمله یک شهروند عادی است، آیا امکان بازخواست حقوقی و تحت پیگرد قانونی قرار گرفتن‌اش وجود دارد، توضیح داد: دولت وقت امریکا که نظامیانش در این ترور دست داشته‌اند مسئولیت بین‌المللی دارد و باید پاسخگو باشد و چون جنایت و جرم بلادلیل است و حتی با اصل دفاع پیشدستانه هم قابل توجیه نیست، چون هیچ گونه حمله قریب الوقوعی در بین نبوده و اثبات هم نشده است، ترامپ و عوامل دخیل مسئولیت کیفری دارند که از طریق دادگاه‌های سه کشور ایران، امریکا و عراق که محل وقوع جرم بوده است و توسط اولیای دم و دولت ایران قابل پیگیری است و این موضوع از طریق دستگاه وزارت خارجه در حال پیگیری است.

یادداشت

مرتضی سیمیاری

یاغی‌های ناسپاس

میانه‌های اسفند سال ۱۳۵۸ میهمانانی سرشناس در قاب تلویزیون ملی ظاهر می‌شوند. از سوی دولت ابوالحسن بنی‌صدر، محسن رضایی از جانب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سرگرد افشار فرمانده یگان گنبد و سه شورشی مسلح از طرف گروهک تروریستی سازمان چریک‌های فدایی خلق پشت یک میز می‌نشینند تا درباره ماجراهای خونین گنبد و جنایت عوامل آن با یکدیگر مناظره کنند. آن گفت‌وگوی چندساعته و ضبط‌شده درس‌های جالب‌توجهی در خود دارد!

ابوالحسن بنی‌صدر در این مناظره با فاصله‌گذاری عجیب میان دولت و ارتش با سپاه نیمرخی از پروژه پنهانی خود را نشان می‌دهد. آن روزها زیر هیاهوی شدید ضدانقلاب ماهیت واقعی بنی‌صدر برای بسیاری از اهل سیاست مغفول ماند. در آن روزگار تنها برخی اهل نظر چون امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری و نیز شهید راه بصیرت حاج اسدالله لاجوردی تعفن سیاسی بنی‌صدر و اطرافیانش را لمس کردند. حضرت امام در نامه تاریخی خود به حسینعلی منتظری در سه قسم جلاله می‌فرمایند: «والله قسم که من رأی به ریاست جمهوری بنی‌صدر ندادم». کمتر از دو سال بعد از آن مناظره بنی‌صدر با لشکری از تروریست‌های مسلح به خیابان می‌آید و غائله ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ را به پا می‌کند. اتحاد نامقدس بنی‌صدر با ضدانقلاب باعث شد او به‌سرعت از سوی مردم پاک‌سازی و حذف شود. او گمان می‌کرد که اگر به کف خیابان بیاید مردم او را می‌پذیرند و اذن جهاد از او می‌گیرند. این توهم با سیلی سخت از جانب ملت از میان رفت. اما شوک حاصل از آن چنان بر بنی‌صدر سخت و گران آمد که در همدستی با عوامل گروهک نفاق پس از فرار از کشور در همکاری مشترک با سرویس‌های امنیتی غربی و حمایت مالی رژیم بعث و نیز حکام مرتجع منطقه دست به جنایت‌های خونین در کف خیابان می‌زند و علاوه بر شهادت چند صد تن از یاران وفادار انقلاب، ۱۷ هزار تن از مردم بی‌گناه از کودک سه ساله تا پیرمرد ۹۰ ساله را اسلاخی می‌کند.

بنی‌صدر پس از چهار دهه کینه‌توزی علیه مردم در بیمارستان سالپتریه پاریس به پایان خط رسید اما در تمامی سال‌های اقامت در فرانسه با وجود آلوده بودن دستش در جنایت در آسایش زندگی می‌کرد و هیچ‌گاه اقدامی در جهت تنبیه یا حذف او انجام نشد. امام (ره) به کسانی که پیشنهاد حذف او را دادند پاسخ منفی می‌داد و مانع از آن شد. سیره حضرت آقا نیز بر همین مسیر بوده و «سید ابوالحسن» تا آخرین لحظه از مدارا و عطوفت نظام اسلامی بهره برد. استدلال آن بود که بنی‌صدر و همکارانش از سوی مردم رانده و تبدیل به یک مرده سیاسی است و ضربه زدن به چنین فردی فقط باعث استشمام بوی بد از لاشه او می‌شود. یاغی سیاسی در پاریس تا آخرین لحظه از عمر خود دست از کینه‌توزی علیه مردم برنداشت. ماجرای زندگی و سرگذشت بنی‌صدر را باید در مراکز پژوهشی و تاریخ معاصر به‌درستی تدریس کرد تا در پس حوادث روزگار پروژه تطهیر او شکل نگیرد و جای جلاد و شهید تغییر نکند. در روزهای اخیر برخی از سر ناآگاهی نسبت‌هایی در وطن‌دوستی به بنی‌صدر داده‌اند که با ذات و نیت‌های او هزاران کیلومتر فاصله دارد! بنی‌صدر تا آخرین لحظه از زندگی‌اش زیر سایه مدارای نظام نشسته و چیزی جز کبودی، تیرگی و سیاهی چیزی خلق نکرد. او فردی ناسپاس بود که سرنوشتی به‌مراتب بدتر از حرقوص بن زهیر رهبر خوارج در دوران امیرالمؤمنین (ع) پیدا کرد.

زندگی بنی‌صدر درس‌های عبرت فراوانی برای برخی سیاست‌بازان و مارهای هفت خط داخلی نیز دارد. از مدت‌ها قبل کروبی و موسوی دو شورشی فتنه ۸۸ از الطاف نظام اسلامی برخوردار شده و بدون آنکه محاکمه شده یا خسارت‌های به بار آمده را جبران کنند، دوباره به صحنه باز گشته‌اند.

اخیراً نقل شده است که در یکی از جلسات محفلی بیان چند جمله از سوی یکی از سران فتنه در محفل کارگزارانی‌ها باعث شده است که هواداران سابق فتنه او را ترور شخصیتی کنند! کسانی که تا دیروز کروبی را روی شانه گرفته و در خیابان می‌گردانند حالا اگر دستشان به او برسد حسابش با کرام‌الکاتبین است. این حادثه یادآور ماجرای عجیبی از بنی‌صدر است در پاریس وقتی رابطه میان او و مسعود شکراب شد منافقین او را، نه تنها با جیب خالی در خیابان‌های پاریس رها کردند، بلکه تا توانستند در جبهه به‌اصطلاح مقاومت ملی به او ناسزا گفته و دخترش را طلاق دادند. این روزها سران فتنه از سایه امنیت و مدارای نظام کمال استفاده را می‌کنند، شورشی‌های آن غائله فرصت دارند که از اندک زمان باقی‌مانده استفاده و راه خود را به‌صورت علنی و روشن از دشمن جدا کنند. دل‌های خود را جلا داده و توبه کنند. البته راه بنی‌صدری شدن نیز برای آنها باز است، یاغی‌های ناسپاس راه دوم را انتخاب خواهند کرد!

خبر

با حضور وزیر علوم بررسی شد

پرونده بورسیه‌ها در کمیسیون اصل نود

سخنگوی کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی از بررسی و تعیین تکلیف پرونده قدیمی بورسیه‌ها با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در این کمیسیون خبر داد.

به گزارش ایرنا، علی خضریان در توضیح نشست دیروز کمیسیون اصل نودم مجلس شورای اسلامی به خبرنگاران گفت: گزارش کمیسیون اصل نود در این باره نهایی شده و به زودی در جلسه علنی مجلس قرائت خواهد شد. اما لازم است وزارت علوم نیز درباره اصلاح روندها و احقاق حقوق آن بخش از نخبگانی که به دلیل سیاسی کاری‌ها در دولت گذشته دچار مشکلاتی شده‌اند اقداماتی انجام دهد تا دانشگاه‌های کشور بتوانند از ظرفیت‌های علمی آنها استفاده کنند.

این موضوع مورد تأیید مقام عالی وزارت نیز قرار گرفت. در این نشست مقرر شد نخبگان علمی که در این پرونده حقوقی از آنها ضایع شده، هرچه سریع‌تر شناسایی و مشکل آنها مرتفع شود. وی با بیان اینکه از ۳ هزار نفری که از سوی دولت قبل ادعای تخلف در جذب آنها به عنوان بورسیه مطرح شده بود، تنها کمتر از ۴۰ نفر خارج از ضوابط بورسیه شده بودند، گفت: مستندات این موضوع نیز تهیه و به وزارت علوم ارائه شده است. البته افرادی که خلاف قواعد بورس شده‌اند، قرار نیست در دولت سیزدهم نیز به کار گرفته شوند.

سرمقاله

تبیین اصولگرایانه

ادامه از یک

فقه و اخلاق نیز روح حاکم بر تبیین هستند. ورود یا عدم ورود به حوزه خصوصی و خانوادگی، نحوه مواجهه با ثروت مشروع یا راه‌های کشف ثروت مشروع از غیر آن و تمکین به قوانین موضوعه جمهوری اسلامی به عنوان چارچوب رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز در تبیین نقش اساسی دارد. دشمن‌شناسی با همان اصول ذکر شده قابل تحقق است وگرنه ممکن است دایره دشمنان موسع گرفته شود و سم مهلکی برای جامعه‌ای شود که چرخش سیاسی آن بر مبنای مردم‌سالاری دینی است. ارزش‌گرایی و مردم‌سالاری باید توأمان شالوده فکری تبیین‌گران انقلاب اسلامی را سامان دهد وگرنه نیروهای مؤمن به انقلاب ممکن است فراموش کنند که نمادهای حکومتند و نباید همانند گروه‌های چریکی بی‌مسئولیت عمل نمایند.

گرفتار نشدن در پیشداوری‌ها، تصورات قالبی و کلیشه‌های تثبیت شده ذهنی نیز در تبیین مهم است. مثلاً بعد از انتصاب اسلامی به ریاست سازمان انرژی هسته‌ای بسیاری آن را زیر سؤال بردند و در چرایی آن پاسخ می‌خواستند. وقتی علت اعتراض را جویا می‌شوی، پاسخ می‌شنوی که طرف در دولت روحانی بوده است. کلیشه‌های ذهنی و تصورات قالبی این طور شکل گرفته است که هر کس در دولت روحانی یا مثلاً در دولت احمدی‌نژاد باشد، حتماً مشکلی دارد و باید حذف شود و این نگاه تبیین را دچار مشکل می‌کند و نگاه اصولی به مقولات اولویت‌دار را مختل خواهد کرد.